

**رفیق خوب، رفیق بد**

فیلم‌های رفاقتی (Buddy Film) از گونه‌های سینمایی است که در آن دو مرد یا دو زن در کاری با هم همراه می‌شوند. این دو اغلب از نظر شخصیتی با هم فرق دارند و همین تفاوت باعث پویایی درام می‌شود.

**نگاهی به تاریخچه فیلم‌های رفاقتی****رفیق خوب، رفیق بد**

فیلم‌های رفاقتی (Buddy Film) از گونه‌های سینمایی است که در آن دو مرد یا دو زن در کاری با هم همراه می‌شوند. این دو اغلب از نظر شخصیتی با هم فرق دارند و همین تفاوت باعث پویایی درام می‌شود. گاهی برای تاکید بر تفاوت این دو شخصیت، نژادهای آنها با هم فرق دارد. فیلم‌های رفاقتی از معدود ژانرهایی است که در سینمای آمریکا زنده ماند و حتی در دهه‌های اخیر نیز با مضامین و شکل‌های مختلف بروز پیدا کرد.

در فیلم‌های رفاقتی اغلب دو مرد کنار هم قرار می‌گیرند و دوستی آنها مهم‌ترین بخش فیلم را شکل می‌دهد. این دو شخصیت گذشته متفاوتی دارند و زیاد پیش می‌آید که در مورد یکدیگر دچار سوءتفاهم شوند؛ اما با پیش رفتن درام، دوستی آنها محکم‌تر می‌شود و یاد می‌گیرند به یکدیگر احترام بگذارند.

فیلم‌های رفاقتی این قابلیت را دارد که با گونه‌های سینمایی دیگر ترکیب شود. اغلب فیلم‌های رفاقتی یا داستانی جاده‌ای روایت می‌کنند، یا ماجرایشان در غرب وحشی می‌گذرد، یا کمدی است یا فیلم اکشن و خیلی هم پیش می‌آید که هر دو شخصیت یا یکی از آنها پلیس باشد.

به گفته دیوید تامپسن، مورخ سینما فیلم‌های رفاقتی در آمریکا بیش از دیگر کشورها مثل فرانسه و انگلستان محبوب است.

ریشه فیلم‌های رفاقتی در سینمای آمریکا به ادبیات این کشور بازمی‌گردد. در قرن نوزدهم در داستان‌های مارک تواین، دو شخصیت هاک فین و تام سایر و همچنین هاک فین و جیم برده در 171#&؛ ماجراهای هکلبری فین؛ نوشته شده در سال 1884 اولین الگوهای ماجراهای رفاقتی را شکل می‌دهند.

از طرفی در سینما از اوایل دهه 1930 تا سال‌های 1960، بازار فیلم‌های کمدی با دو شخصیت مرد در نقش‌های اصلی بسیار داغ بود. زوج لورل و هاردی و زوج ابوت و کاستلو در دهه 1930 و 1940 بسیار محبوب بودند و در میان فیلم‌های آنها 171#&؛ احقاقی در آکسفورد؛ لورل و هاردی از نمونه‌های ماندگار تاریخ سینماست.

یک زوج محبوب سینمای کمدی در دهه 1940، بینگ کرازبی و باب هوپ بودند که کارشان با فیلم 171#&؛ جاده به سنگاپور؛ شروع شد و در طول دهه 1940 و حتی تا دهه 1960 ساخت فیلم‌های دونفره آنها ادامه پیدا کرد.

در دهه 1950 زوج دین مارتین و جری لوئیس بسیار موفق ظاهر شدند و در دهه 1960 زوج والتر ماتائو و جکلمون بسیار محبوب بودند. فیلم سال 1969 این زوج به نام 171#&؛ جفت ناجور؛ یکی از موفق‌ترین فیلم‌های کمدی رفاقتی است.

یکی از مسیرهای مناسب برای فیلم‌های رفاقتی، فیلم‌های رفاقتی با شخصیت پلیس است. جالب است بدانید سرمنشا چنین فیلم‌هایی 171#&؛ سگ ولگرد؛ ساخته سال 1949 آکیرا کوروساوا، کارگردان ژاپنی با حضور توشیرو میفونه و تاکاشی شیمورا در نقش‌های اصلی است.

در این فیلم رگه‌های طنز بسیار کم بود و بیشتر یک فیلم پلیسی با مایه‌های نوآر به شمار می‌رفت و سینمای رفاقتی را وارد مرحله‌ای جدید کرد.

دهه 1960 و 1970 همزمان بود با تغییرات اساسی در فرهنگ و ظهور جنبش‌های هنری و فرهنگی متعدد.

این تغییر و تحولات فرهنگی آشکارا سینما را تحت‌تاثیر قرار داد و تعدادی از بهترین فیلم‌های رفاقتی مثل *171#&#171; بوچ کسیدی* و *171#&#171; ساندنس کید* و *171#&#171; ایزی راید* و *171#&#171; کابوی نیمه‌شب* و *171#&#171; مترسک* و *171#&#171; بعدازظهر سگی* در همین دو دهه ساخته شد.

در دهه 1970 بود که فیلم *171#&#171; شعله* در هند با الگوبرداری از فیلم‌های رقابتی ساخته و به پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای هند بدل شد.

اواسط دهه 1970 و دهه 1980 شاهد روی پرده رفتن فیلم‌های رفاقتی بود که در اغلب آنها یکی از دو مرد سفیدپوست بود و دیگری سیاهپوست. یکی از زوج‌های موفق این دوره جین وایلدر سفیدپوست و ریچارد پریور سیاهپوست بودند و *171#&#171; Silver* و *171#&#171; Streak* و *171#&#171; Stir Crazy* از فیلم‌های موفق این دو بود.

یکی دیگر از چهره‌های مهم فیلم‌های رفاقتی این دوره ادی مورفی بود که در فیلم *171#&#171; 48 ساعت* در کنار نیک نولتی بازی کرد و با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد.

دهه 1980، دهه ساخته شدن فیلم‌های اکشن بسیار بود. قهرمان‌پروری و میهن‌پرستی از مضامین تکرارشونده فیلم‌های این دهه است.

در همین دهه بود که جنبش حقوق مدنی آمریکایی‌های رنگین‌پوست نیز به موفقیت‌هایی دست پیدا کرد. تاثیر این تغییرات را براحتی می‌شود در سینمای آن دوره مشاهده کرد.

جدا از ادی مورفی و نیک نولتی در *171#&#171; 48 ساعت*، زوج مل گیسن و دنی گلاور در مجموعه فیلم‌های *171#&#171; اسلحه مرگبار* کنار هم روی پرده رفتند و به موفقیت تجاری فوق‌العاده‌ای دست پیدا کردند.

یکی از فیلم‌های متاخر دهه 1980 که همین الگو را استفاده می‌کرد *171#&#171; جان سخت* بود که در آن بروس ویلیس، قهرمان سفیدپوست همیشه از حمایت رچینالد ولجوهانسن، پلیس سیاهپوست برخوردار است.

در دهه 1990 کمی احساسات‌گرایی جای قهرمان بازی را در فیلم‌های رفاقتی گرفت. دو تا از فیلم‌های بسیار موفق این سال‌ها *171#&#171; سلطان ماهیگیر* و *171#&#171; رهایی از شاونسک* است.

فیلم دوم را که یکی از فیلم‌های مهم دهه 1990 است، فرانک دارابونت ساخته و در آن دو زندانی (تیم رابینز و مورگان فریمن) با هم دوست می‌شوند و پس از فرار از زندان نیز دوباره همدیگر را ملاقات می‌کنند. در این فیلم به جای زدوخوردهای رایج، بیشتر درونیات این دو شخصیت است که درام را پیش می‌برد.

در همین دهه یکی از مهم‌ترین فیلم‌های رفاقتی ساخته شد که در آن دو رفیق زن بودند. این فیلم *171#&#171; تلما و لوئیز* ساخته ریذلی اسکات با بازی جینا دیویس و سوزان ساراندون در نقش‌های اصلی است.

در این فیلم دو زن که از زندگی‌های شخصی خود خسته شده‌اند راهی سفری می‌شوند که با یک اشتباه تبدیل به یک بازی مرگ و زندگی می‌شود.

در همین دهه فیلم رفاقتی با ساخته شدن *171#&#171; پرونده پلیکان* حتی دچار یک استحاله شد. در این فیلم زوج رفیق یک زن و مرد با بازی جولیا رابرتز و دنزل واشنگتن بودند که رابطه آنها هرگز وارد مرحله عاطفی و احساسی نمی‌شود.

در اواخر همین دهه نیز برای اولین بار یک فیلم رفاقتی ساخته شد که زوج آن یک آسیایی و یک سیاهپوست بودند؛ جکی چان و کریس تاکر که با فیلم *171#&#171; ساعت شلوغی* نگاهی جدید به فیلم رفاقتی را وارد سینما کردند.

حسین عیدی‌زاده - جام‌جم